

ووصو

ديزاین: الحاج محمد شاه (پيمان) سوئد



۱۳۹۷



www.masjed.se

تبع ونگارش:
الحاج امين الدين « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان و
مسؤل مرکز فرهنگي دحق لاره - جرمني

بسم الله الرحمن الرحيم

وضو

در حدیثی آمده است: «**لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ بَغِيرِ طَهْوَرٍ**» (الله تعالی هیچ نمازی را بدون پاکی (وضو) قبول نمی‌کند). (مسلم 224)
تعریفات که توسط علماء از مقام و عظمت و حکمت وضو بعمل آمده است، وضو را کلید نماز، تلاوت قرآن، طواف و بسیاری از عبادت‌ها معرفی داشته است.
در حدیثی آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: «امت من روز قیامت فرا خوانده می‌شوند در حالی که اعضای وضوی آنها بر اثر وضو می‌درخشد. لذا هر کس خواست این نورش بیشتر گردد، آن را بیشتر کند» (صحیح بخاری)
و نیز می‌فرماید: «زیبایی و جمال مؤمن تا جایی خواهد بود که وضو به آنجا می‌رسد».
(صحیح مسلم) منظور حدیث از جمال و زیبایی مؤمن همان، نورانیتی است که در روز قیامت او را در میان مردم مزین جلوه می‌دهد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «در روز قیامت، من نخستین کسی خواهم بود که اجازه سجده داده می‌شوم، و من نخستین کسی خواهم بود که اجازه داده می‌شوم تا سرم را بردارم، آن گاه در پیشاپیش خود می‌نگرم و اتم را در میان سایر امتها می‌شناسم، همچنین آنان را از پشت سر و سمت راست و چپ می‌شناسم» آن گاه شخصی پرسید: یا رسول الله! چگونه امتت را در میان سایر امتها، از زمان نوح تا آخر می‌شناسی؟ فرمود: «اندام‌های وضوی آنان در اثر وضو گرفتن می‌درخشد» (حدیث روایت شده در مسند احمد با سند صحیح)

خواننده محترم!

یکی از شرایطی که نمازگزار باید در جنب اینکه لباس طاهر بتن داشته باشد، وضو است. وضو نه تنها باعث پاکی بدن بلکه موجب صفای روح و روشنی دل می‌گردد.
پروردگار با عظمت ما در قرآن عظیم الشان می‌فرماید: «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ**» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگاه به نماز بر می‌خیزید، پس بشوید روی خود را، و دستهای خود را تا آرنج، و مسح کنید بر سرهای خود و - بشوید پای های خود را تا شتالنگ (یعنی بجلک) (سورة المائدة - آية 6)
اگر در آیه متبرکه دقت بعمل آریم بوضاحت تام در خواهیم یافت که پروردگار ما در وضو چهار چیزی را بر ما فرض گردانیده است:

اول - شستن روی.

دوم - شستن دستها تا به آرنج.

سوم - مسح کردن سر.

چهارم - شستن پای ها تا به بجلک.

وضو برای نماز:

وضو شرط نماز است، بنابراین هرگاه شخصی اراده نماز نماید (نماز فرضی باشد و یا هم

نماز نفلی (بروی لازم است تا قبلاً وضوئی کامل بگیرد. حتی مستحب است که بعد از گرفتن وضو، دو رکعت نماز بعنوان تحیت الوضو نیز بجاء آرد.

طریقه وضو پیامبر صلی الله علیه وسلم :

طریقه وضو رسول الله صلی الله علیه وسلم را حضرت عثمان رضی الله عنه این چنین توصیف و تعریف نموده است :

از حمران مولای عثمان روایت است که عثمان بن عفان برای گرفتن وضو در خواست آب نمود ، و وضو گرفت. ابتدا دستهایش را سه بار شست، سپس مضمضه کرد بعد از آن آب را در بینی اش کرد، آنگاه صورتش را سه بار شست بعد از آن دست راست را با آرنجش سه بار شست، سپس دست چپ را، مانند دست راستش شست، به تعقیب آن سرش را مسح کرد و بعداً پای راستش را با جلک سه بار شست و پای چپش را هم مانند پای راستش شست. سپس گفت : رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیدم که به این روش و ترتیب وضو گرفت و فرمود : **« من تَوَضَّأَ نَحْوَ وَضُوئِي هَذَا ثُمَّ قَامَ فَرَكَعَ رَكَعَتَيْنِ لَا يَحْدِثُ فِيهِمَا نَفْسَهُ غَفْرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ »** « هرکس این چنین وضو بگیرد و با حضور قلب دو رکعت نماز بخواند گناهان (صغیره) گذشته او بخشیده می شود. »
ابن شهاب می فرماید : علمای ما می گفته اند این وضو کاملترین وضو برای نماز است.
(مسلم (1/204/226) و بخاری (1/266/164)

ولی ناگفته نباید گذاشت که : در وضو سنتهای دیگری نیز وجود دارد که پیامبر صلی الله علیه و سلم آنرا هم انجام داده است که از آنجمله میتوان از :

- 1- شستن هر عضو یکبار، و یا دوبار، و یا سه بار، که همه اش در سنت عملی رسول الله صلی الله علیه وسلم وارد شده است، یعنی میتوان هر عضوی را فقط یکبار، و یا دوبار، و یا هم سه بار شست، ولی در مورد مسح سر و گوش در همه حال فقط یکبار میباشد، و هر عضوی را بیشتر از سه بار شستن جائز نیست.
- 2- خلال کردن ریش و انگشتان دست و پا
- 3- ریختن آب به دهن و بینی با دست راست و خالی کردن آب بینی با دست چپ و غیره .

مراحل انجام وضو در شرع :

- 1- شخصیکه میخواهد وضو گیرد باید قبل از همه در قلب خود، وبدون اینکه برزبان چیزی بگوید نیت وضو را بعمل آرد .
در شرع اسلامی قاعده کلی همین است که نیت نباید به زبان گفته شود ، چون رسول الله صلی الله علیه السلام هرگز نه در وضوء، و نه در نماز، و نه در سایر عبادت تلفظ نیت را برزبان بعمل نیاورده است . و نیز به بیان دلیل که خداوند از امور قلبی همه مردم آگاه بوده، و در نتیجه خبر دار نمودن او از امور قلبی دلیل و علتی ندارد.
- 2- گفتن **« اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ »** (قبل از هر چیزی به آرامی وبدون سروصدا)
« اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ » ، می گوئیم. یعنی از شرّ شیطان رانده شده به الله تعالی پناه می برم و با نام الله بخشنده ی مهربان شروع می کنم.
- نام خداوند را برزبان رانده و می گوید: **« بسم الله »**.

- کف و پشت دستها را تا مچ سه بار می‌شوئیم و دقت می‌کنیم که لای انگشتان نیز کاملاً شسته شوند.

- سه بار با دست راست به دهان آب می‌گیریم و با غرغره کردن کاملاً آن را می‌شوئیم.

بهتر است هنگام شستن دهان، دندانها خویش را مسواک زده و یا هم با انگشت شصت و اشاره آنها را پاک و تمیز نمایم .

- استنشاق یا شستن بینی.

در حدیثی از اَبی هُرَیْرَةَ (رض) روایت که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده اند :
« إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَلْيَجْعَلْ فِي أَنْفِهِ مَاءً ، ثُمَّ لِيَسْتَنْشِرْ ، وَمَنْ اسْتَجَمَرَ فَلْيُوتِرْ ، وَإِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ نَوْمِهِ فَلْيَغْسِلْ يَدَيْهِ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَهُمَا فِي الْإِنَاءِ ثَلَاثًا ، فَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَا يَدْرِي أَيْنَ بَاتَتْ يَدُهُ . » وَفِي لَفْظٍ لِمُسْلِمٍ : فَلْيَسْتَنْشِقْ بِمِنْخَرِيهِ مِنَ الْمَاءِ . وَفِي لَفْظٍ : مَنْ تَوَضَّأَ فَلْيَسْتَنْشِقْ . »

(زمانیکه شخص وضو می‌گیرد در بینش آب فرو کرده سپس آن را خارج کند ، و هرگاه کسی برای طهارت گرفتن از سنگ استفاده کرد تعداد سنگها را فرد قرار دهد ، و هر کس از خواب بیدار شد قبل از اینکه دستش را در ظرف آب فرو ببرد آن را سه بار بشوید زیرا کسی نمی‌داند که در هنگام خواب دستش را کجا قرار می‌دهد.

و در روایت مسلم آمده است که از دو سوراخ بینش آب بگذراند .

و در روایت دیگری آمده است که هر کس وضو گرفت در بینش آب قرار دهد .

بنا نماز گزار در وقت وضو با دست راست، سه بار آب به بینی گرفته و با دست چپ کاملاً آن را تمیز و پاک می‌کنیم.

- شستن روی :

بعد از استنشاق ، باید روی خویش را از بالایی پیشانی - از محلی که موی سر روئیده است - و از دو طرف تا گوش و از پایین تا زیر زرخ سه بار کامل و دقیق می‌شوئیم و در ضمن باید یاد اور شد که : خلال ریش را نباید فراموش کرد .

- شستن دست ها :

در حدیثی از نَعِيمِ الْمُجَمِرِ و اَبی هُرَیْرَةَ (رض) روایت که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : « إِنَّ أُمَّتِي يُدْعَوْنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُرًّا مُحَجَّلِينَ مِنْ آثَارِ الْوُضُوءِ ، فَمَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ أَنْ يُطِيلَ غُرَّتَهُ فَلْيَفْعَلْ . » وَفِي لَفْظٍ لِمُسْلِمٍ : رَأَيْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ يَتَوَضَّأُ فَعَسَلَ وَجْهَهُ وَيَدَيْهِ حَتَّى كَادَ يَبْلُغُ الْمَنْكَبَيْنِ ، ثُمَّ غَسَلَ رِجْلَيْهِ حَتَّى رَفَعَ إِلَى السَّاقَيْنِ ، ثُمَّ قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ : إِنَّ أُمَّتِي يُدْعَوْنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُرًّا مُحَجَّلِينَ مِنْ آثَارِ الْوُضُوءِ ، فَمَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ أَنْ يُطِيلَ غُرَّتَهُ وَتَحَجِّبِلَهُ فَلْيَفْعَلْ . وَفِي لَفْظٍ لِمُسْلِمٍ : سَمِعْتُ خَلِيلِي يَقُولُ : تَبْلُغُ الْحُلْيَةَ مِنَ الْمُؤْمِنِ حَيْثُ يَبْلُغُ الْوُضُوءَ . »

(نعیم المجرم از ابو هریره چنین روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: امت من روز قیامت با اوصافی فرا خوانده می‌شوند که دلالت بر نورانی بودن صورت و دست و پاهایشان می‌دهد ، پس هر کس بتواند بر نور و درخشش خود بیفزاید این کار را انجام دهد .

و در روایتی در صحیح مسلم آمده است : ابو هریره (رض) را دیدم که وضو می گیرد، رویش و دو دستش را شست تا جایی که نزدیک بود به سر شانه هایش برسد، سپس دو پایش را شست تا جایی که تا دو ساقش بالا رفت، سپس گفت : از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود : امت من در روز قیامت با اوصافی فرا خوانده می شوند که دلالت بر نورانی بودن صورت و دست و پاهایشان می دهد، پس هر کس بتواند بر نور و درخشش خود بیفزاید این کار را انجام دهد .

و در روایت دیگری در صحیح مسلم نیز آمده است : از خلیل شنیدم که می فرمود : روشنایی و نور مومن تا جایی می رسد که هنگام وضو می شوید . بناً طبق سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم : در اول دست راست را از نوک انگشتان تا آرنج سه بار می شوئیم. باید توجه داشت که خود آرنج نیز در شستن دست ها شامل گردد . و بعداً دست چپ را نیز همانند دست راست سه بار می شوئیم. در مورد اینکه مسلمان همیشه و بطور متداوم از جمله در وضو و سایر کاری های نیک و پسندیده از راست آغاز کند ، بمعنی متابعت و تابعداری از سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم میباشد .

در حدیثی بی بی عائشة (رض) فرموده : « **كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُعْجِبُهُ التَّيْمُنُ فِي تَنَعُّلِهِ ، وَتَرْجُلِهِ ، وَطُهُورِهِ ، وَفِي شَأْنِهِ كُلِّهِ .** » (پیامبر صلی الله علیه وسلم دوست داشت در پوشیدن کفشش و شانه کردن موهایش و طهارت گرفتنش و در تمام کارهایش از دست راست شروع کند.)

- مسح سر و گوش :

مسح تمام سر از جمله فرایض وضو بوده ، بعد از اینکه از شستن دست ها و خلال ریش فارغ شدیم ، دست ها را با آب تازه تر نموده و با دست های تر، تمامی سر را لمس می کنیم طوری که هیچ جایی از موهای سر خشک باقی نماند. به این ترتیب که دو دست تر، را از جلوی سر تا پشت آن بر موها کشیده، و به همین حالت آنان را دوباره به جلوی سر بر می گرداند.

- سپس دوگوش خود را یکبار مسح می کند. به این ترتیب که سبابه خود را در سوراخ و سایر حصه های گوش گذرانده، و با انگشت شست پشت گوش خود را پاک کنیم.

- مسح کردن.

سپس با پشت انگشتان دست در حالی که انگشتان دستها را به هم چسبانیده ایم با دست راست طرف راست گردن و با دست چپ طرف چپ گردن را مسح می کنیم .

اندازه و مقدار مسح سر :

در این هیچ جای شک نیست که علمای اسلام در مورد وجوب مسح سر در وضو بصورت کل اجماع دارند، و می فرمایند ، در وضو باید مسح سر بعمل آید ، زیرا دستوالعمل این حکم در (آیه 6 سوره مائده) با زیبایی خاصی فورمولبندی و بیان گردیده است طوری که می فرماید : « **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ** **أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...** » (ای مؤمنان، هنگامی

که خواستید نماز بخوانید (و وضو نداشتید) صورتها و دستهای خود را همراه با آرنجها خویش بشویید و سرهای خود را مسح کنید و پاهای خود را همراه با بجلک ها بشویید). اما در مورد مقدار کافی و اندازه مسح سر در وضو آرای متفاوتی بین فقهای مذاهب وجود دارد:

از جمله در مذهب امام ابوحنیفه و امام شافعی مسح قسمتی از سر (هر قسمت که باشد) کافیهست، البته در مورد حداقل تعداد موها نیز اختلاف دارند: گفته شده که نصف سر یا ربع آن و یا سه تار مو از سر کافیهست! آنها گفته اند که: ظاهر آنست که معنی آیه: **«وامسحوا برءوسکم»**، مقتضی تعمیم مسح به همه‌ی سر نیست و لازم نیست که همه‌ی سر را مسح کنیم. بلکه از فحوای آیه چنین فهمیده می‌شود، که مسح بر بعضی از سر، برای اجراء و امتثال امر خداوند کافی است. همچنان در روایتی از امام احمد آمده که مسح سر برای مردان باید تمام سر را شامل شود ولی در زنان قسمتی از آن کافیهست.

ولی در مذهب امام مالک و امام احمد و شیخ ابن تیمیه رحمهم الله حکم بر مسح تمام سر نموده و فرموده اند که: باید تمام سر مسح شود، این حکم شامل زنان و مردان یکسان است، و استدلال می‌آورند که: دلیل وجوب مسح تمام سر این است که مسح در قرآن به صورت مجمل ذکر شده و برای بیان کردن آن به سنت نبوی مراجعه می‌شود، در صحیحین و دیگر کتب حدیث ثابت شده که پیامبر صلی الله علیه و سلم تمام سرش را مسح کرده است و این دلالت می‌کند بر اینکه مسح تمام سر واجب است:

در حدیث عبدالله بن زید رضی الله عنه آمده است: **«أن النبي صلى الله عليه وسلم مسح رأسه بيديه فأقبل بهما وأدبر، بدأ بمقدم رأسه ثم ذهب بهما إلى قفاه ثم ردهما إلى المكان الذي بدأ منه»**

(پیامبر صلی الله علیه و سلم سر خود را با هر دو دست مسح کرد: آنها را به جلو و به عقب برد. از پیشانی سر آغاز کرد سپس دستها را بر سر کشید تا به پشت گردن رسید و از آنجا دوباره دستها را بر سر کشید و به محل اول برگرداند.) این حدیث را جماعت محدثین آنرا روایت کرده‌اند. اگر گفته شود که حدیث مغیره بیانگر این است که پیامبر صلی الله علیه و سلم پیشانی و عمامه‌اش را مسح کرده جواب این است که:

به این دلیل پیامبر صلی الله علیه و سلم به مسح پیشانی بسنده کرده است؛ چون مسح بقیه سرش را با مسح عمامه کامل کرده است، ما هم این نظریه را قبول داریم و در این حدیث دلیلی بر صحت اکتفا به مسح پیشانی یا قسمتی از سر بدون تکمیل آن با مسح عمامه وجود ندارد. تفسیر ابن کثیر (2/24) بتصرف. (در حدیث مغیره بن شعبه رضی الله عنه آمده است که: **«أن النبي صلى الله عليه وسلم توضأ فمسح بناصيته و على العمامة والخفين»**) (پیامبر صلی الله علیه و سلم وضو گرفت و پیشانی خود عمامه و خفین را مسح کرد). مسلم آن را روایت کرده است.

بنابراین نتیجه می‌گیریم که مسح تمام سر واجب است و شخص می‌تواند تنها سر و یا تنها عمامه و یا سر و عمامه را با هم مسح کند.

شستن پای ها :

در مورد شستن پای در (ایه 6 سوره المائدة) با تمام وضاحت آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» یعنی: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که به نماز می‌ایستید، روی و دستها را تا رانها آرنج بشویید و سر را مسح نمایید و پاها را تا کعبین (بجلك ها) بشویید.

مفسرین می‌نویسند که: «وَأَرْجُلَكُمْ» با نصب لام که در اینصورت بر (وَجُوهَكُمْ) عطف میشود و بر شستن پای حکم شده است.

همچنان در حدیثی از عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ وَأَبِي هُرَيْرَةَ وَعَائِشَةَ (رض) روایت گردیده است آمده است:

« قَالَ رَسُولُ اللَّهِ وَيْلٌ لِلْأَعْقَابِ مِنَ النَّارِ. » (از عبد الله بن عمرو بن العاص و ابوهریره و عائشه (رض) می‌فرمایند: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: وای از آتش جهنم بر کسانی که بجلك پای های خویش را هنگام وضو گرفتن نمی‌شویند.)

- شستن پای راست:

پای راست را از نوک انگشتان تا بجلك پا سه بار می‌شوئیم. باید توجه داشت که بجلك پا و لای انگشتان نیز کاملاً شسته شوند.

- شستن پای چپ:

پای چپ را نیز همانند پای راست سه بار تا بجلك پا می‌شوئیم.

یادداشت فقهی در وضوی جبیره:

هرگاه یکی از اعضایی که هنگام وضو شسته می‌شوند زخمی گردد طوری که آب برای آن مضر باشد باید پارچه‌ای پاک و تمیز یا چیزی مانند چسب بر روی آن گذاشت و هنگام شستن سایر اعضاء بر آن قسمت مسح کرد.

بعد از وضو این دعا را می‌خوانیم: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ . وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ . اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَوَسِّعْ لِي فِي دَارِي وَبَارِكْ لِي فِي رِزْقِي سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ . أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ»

یعنی: گواهی میدهم که معبود بر حقی نیست مگر خدای یکتا که هیچ شریکی ندارد و گواهی میدهم که محمد بنده و فرستاده اوست.

خداوندا مرا از توبه کنندگان قرار ده که همیشه رویشان به درگاه تو است و مرا از پاکیزه گان قرار بده خداوندا گناهانم را بیامرز و در خانه و مسکن من گشایش و فراخی و در روزی من برکت قرار ده پاک و بی عیبی تو ای خدا و ستایش مخصوص توست گواهی می‌دهم که معبودی بر حق نیست مگر تو از تو طلب مغفرت می‌نمایم و بسوی تو باز می‌گردم.

فلسفه سه بار شستن اعضاء بدن:

یک بار شستن اعضاء در وضوء، فرض و تثلیث آن یعنی سه بار شستن آنها سنت

میباشد. این در حالی است که با سه بار شستن اعضاء، حق شستشو اداء گردد. بدین معنی که با سه بار شستن، عمل شستشو به طور کامل انجام شده و هیچ جایی از آن خشک باقی نماند. بنابراین اگر باز هم با سه بار شستن نیز، حق شستشو اداء نشود لازم است که بیش از سه بار تا حدی که قلب وضوء گیرنده به آرامش رسیده و اطمینان خاطر حاصل گردد، شسته شود.

مولات در وضوء:

موضوع وبحث مولات در وضوء یکی از بحث های مهمی در وضوء بشمار میرود ، مولات بدین معنی است که اعضای بدن در وضوء باید پشت سر هم وبدون فاصله ووقف شسته شوند .

علما با توجه به احادیث صفت وضوء، یکی از ارکان وضوء را مولات در بخش وضوء ومعرفی کرده اند ، طوریکه در فوق یاد اور شدیم که: بعد از شستن هر عضو بایستی عضو دیگر بلافاصله شسته شود یا اینکه فاصله ای زیادی بین شستن دو عضو قرار نگیرد ، و طوری نباشد که وضوء گیرنده در اثنای وضوء به کار دیگری مشغول گردد، که عرفاً انصراف از وضوء به حساب آید.

سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم و عمل سلف و خلف مسلمانان بدین منوال بوده است. بنابراین کسی نمی تواند مثلاً بعد از آنکه روی خود را شست، پس از گذشت مدتی دستهایش را بشوید، همچنین کسی که سر خود را مسح نمود، نباید مدتی صبر کند و بعد پاهایش را بشوید، مگر ضرورتی لازم آید؛ لذا بهتر است ابتدا کل اعضا شسته شود و بعد اگر خشک هم شوند پروا ندارد مگر اینکه ضرورتی باعث شود مثلاً اینکه خشک کردن دستان پس از انتهای وضوء باعث مرضی یا شدت مرضی شود و لازم باشد هرچه زودتر خشک شود(البته اگر ترشدن دستان باعث ضرری جسمی شود لازم نیست که دست را بشوید).

لذا شخصی که وضوء می گیرد باید همه ی اعضا را پشت سر هم و بدون وقفه بشوید و در انتها اگر خواست می تواند اعضای خود را خشک کند. اگر بین شستن دو عضو فاصله ی بیافتد که عرفاً انصراف از وضوء به حساب آید در آنصورت فرد باید به تجدید وضویش اقدام نماید.

مستحب است هنگام وضوء:

قبل از آغاز وضوء زمانیکه دست خود را می شویید: با خود بگویند: «اللهم اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المتطهرین» (خدایا مرا از توبه کنندگان و از پاکیزگان قرار ده)

فروضهای وضوء:

خداوند(ج) در قرآن کریم می فرماید: « يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَ آرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ.» (ای کسانی که ایمان آورده اید هرگاه به نماز بر میخیزید، پس بشوید روی خود را، و دستهای خود را تا آرنج، و مسح کنید بر سرهای خود و - بشوید- پای های خود را تا بچلک ،بنا براین فرموده پروردگار فرضها در وضوء چهار است:

اول - شستن روی. دوم - شستن دستها تا به آرنج. سوم - مسح کردن سر. چهارم - شستن پای ها تا به بجلک ها.

سنتهای وضو:

- 1- بسم الله گفتن.
- 2- شستن دو کف دست سه مرتبه در آغاز وضو.
- 3- آب در دهان و بینی کردن قبل از شستن صورت.
- 4- با دست چپ بینی را پاک نمودن بدلیل حدیث: «آنگاه حضرت -صلی الله علیه وسلم- سه بار دو کف دستش را شست، سپس دهان و بینی خود را پاک نمود، سپس چهره اش را سه بار شست...».
- 5- دهان و بینی را خوب پاک نمودن، و مبالغت نمودن در آن برای کسی که روزه دار نباشد. بدلیل حدیث: «در مضمضه (آب در دهان) و استنشاق (آب در بینی) مبالغه کن، بجز در صورتی که روزه دار باشی...». (أخرجه الأربعة).
- معنای مبالغت در مضمضه: یعنی آب را به اطراف دهان چرخاندن.
و معنای مبالغه در استنشاق: یعنی آب را در بینی بکند و بالا بکشد.
- 6- با یک کف دست مضمضه و استنشاق نمودن، بطوری که میان آنها فاصله ای نباشد. بدلیل حدیث: «پس آب را برداشت و با یک کف دست مضمضه و استنشاق نمود». (متفق علیه).
- 7- مسواک زدن: و وقت آن هنگام هر شستن دهان (مضمضه) می باشد. بدلیل حدیث: «اگر بر اتم سخت نمی شد هر آئینه به آنها امر می کردم که هنگام هر وضو مسواک بزنند». (رواه أحمد والنسائي)
- 8- خلال کردن ریش پر پشت (انبوه). رسول الله -صلی الله علیه وسلم- هنگام وضو گرفتن ریش خودشان را خلال می کردند. (أخرجه الترمذي).
- 9- مسح سر. (که کیفیت آن در فوق به تفصیل بیان گردید.)
- 10- خلال کردن انگشتان دست و پا. بدلیل حدیث: «وضو را کامل بگیر و میان انگشتان خلال کن». (أخرجه الأربعة).
- 11- آغاز از سمت راست، یعنی شروع نمودن از سمت راست برای شستن دست و پا، بدلیل حدیث: «پیامبر صلی الله علیه وسلم در کفش پوشیدن و ... پاکیزگی (وضو و غسل) آغاز از راست را می پسندیدند». (متفق علیه).
- 12- بیش از یک بار شستن، یعنی شستن صورت و دست و پا تا 3 مرتبه.
- 13- گفتن شهادتین و خواندن دعا بعد از فارغ شدن از وضو. چنین بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ». از حضرت عمر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: هر کس که وضو کامل بگیرد و دعای فوق را بخواند در های هشتگانه جنت برایش باز می گردد از هر دری که می خواهد وارد شود. (رواه مسلم).
- 14- در منزل وضو گرفتن: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «کسی که در منزل خود وضو بگیرد، سپس به سوی مسجد برود تا اینک فریضه ای از فرایض الهی انجام

دهد، هر گامی که بر می‌دارد یک گناه ریخته می‌شود، هر قدمی که می‌گذارد یک منزلتی و درجه‌ای بلند می‌شود. (رواه مسلم).

15- دست کشیدن بر اعضاي وضو قبل و بعد از ریختن آب بر آن.

16- صرفه‌جویی در آب، «حضرت پیامبر -صلی الله علیه وسلم- با پری دو کف دست وضو می‌گرفت». (متفق علیه).

17- شستن بیش از مقدار واجب در اعضاي چهارگانه (دو دست و دو پا) وضو، زیرا که ابوهریره -رضی الله عنه- وضو گرفت و دست خود را تا بازو شست، و پاهای خود را تا ساق، سپس گفتند: این چنین دیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم وضو گرفتند. (رواه مسلم).

18- بعد از وضو دو رکعت نماز خواندن، رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمود: «کسی که مانند وضوی من وضو بگیرد سپس دو رکعت نماز با حضور ذهن بخواند، گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌گردد».

19- کامل کردن وضو: یعنی ادا کردن حق هر عضوی از اعضاي وضو در هنگام شستن.

مستحبات وضو:

در وضو شش مستحب است:

اول - نیت کردن وضو (که محل آن قلب است) . دوم - پی در پی شستن اعضا، یعنی هر عضو یاد شده را باید بعد از دیگری متصل بشویی و نگذاری که یک عضو خشک شود و بعد دیگری را بشویی. سوم - مسح کردن همهء سر . چهارم - ترتیب رعایت شستن اعضای که در وضو باید شسته شود ، یعنی به همان ترتیب شسته شود طوری که در قرآن عظیم الشان تذکر رفته است . پنجم: شروع کردن از راست. ششم - مسح کردن گردن.

مکروهات وضو (یعنی اعمال که وضو را مکروه میسازد):

اول - آب در دهان و در بینی کردن بادست چپ. دوم - آب را بر روی خود سخت زدن. سوم - بسوی عورت خود دیدن. چهارم - بینی خود را در آب تکاندن، یعنی در آب جاری یا جای که آب حوض باشد. پنجم - در وقت استنجا حرف زدن. ششم - بینی را بدست راست تکاندن.

شکننده های وضو:

اول - خارج شدن چیزی از پیش یا پس. (سبیلین) دوم - بر آمدن چرک از زخم بدن . سوم - استفراق کردن به دهن پر . یعنی اگر شخص بسیار اندک استفراق کند وضو نمیشکند. چهارم - خواب کردن بر پهلو یا بر چیزی تکیه کرده. پنجم - خندیدن به صدای بلند در داخل نماز. هفتم - بی هوش شدن. هشتم - دیوانگی. نهم - مستی. دهم - داخل شدن ذکر مرد در فرج زن، ولو اندک هم باشد.

حکم وضو نزد احناف :

وضو نزد احناف بر پنج قسم است :

اول: فرض : برای نماز های پنجگانه ، نماز جنازه ، برای مسح و لمس کرده مصحف قرآن عظیم الشان .

دوم : واجب : وضو برای ادای طواف کعبه واجب است .

سوم : سنت و مستحب :

الف : برای هر نماز وضو کردن و تازه کردن وضو مستحب است ، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است : « لولا أن أشق على أمتي لأمرتهم عند كل صلاة بوضوء ، ومع كل وضوء بسواك » (رواه أحمد بإسناد صحيح.) (اگر بالای امت من مشکل و تکلیف نمی شد من برای هر نماز وضو و مسوک را بالای ایشان حکم می نمودم .)

ب: برای تعلیم و آموزش علوم شرعی گرفتن وضو مستحب است .

ج: در رفتن به بستر خواب گرفتن وضو مستحب است .

د: در حین قهر و غضب گرفتن وضو مستحب است .

ه : قبل از انجام غسل گرفتن وضو مستحب می باشد .

و: در وقت ادای آذان ، در حین قرائت خطبه نکاح ، در حین زیارت قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم ، در روز توقف در عرفات ، گرفتن وضو مستحب است .

ح: بعد از ارتکاب گناه ، گرفتن وضو مستحب است .

ط: بعد از غسل میت ، گرفتن وضو مستحب است .

ی : گرفتن وضو برای روز جمعه و عیدین مستحب است .

چهارم : مکروه :

مکروه است که شخصی یک بار وضو بگیرد ، بدون اینکه وضو اش باطل شود ، بار دیگر به گرفتن وضو مبادرت نماید .

پنجم : حرام :

گرفتن وضو به آب غصب شده و به آب که از ملکیت یتیم باشد ، حرام است .

مبحث بوسیدن و لمس همسر و وضو :

خواننده محترم !

طوریکه ملاحظه فرمودید ما در فوق ده مورد از مواردی که شکننده های وضو است خدمت شما مورد بحث قرار گرفت ، در مورد اینکه تماس زن با مرد (زن و شوهر) و بخصوص بوسیدن همدیگر ناقض و بطلان وضو است و یا خیر موضوع است که در بین فقهای اسلام مورد بحث قرار گرفته است ؟

در (آیه 34 سوره النساء) قرآن عظیم الشان می فرماید : « ... **أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا ...** » (... یا یکی از شما از قضای حاجت آمد ، یا با زنان نزدیکی کرده باشید و آبی نیافتید پس با خاک پاک تیمم کنید ...)

قبل از همه باید گفت که جمله « **أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا** » در این آیه مورد اختلاف اراء مفسرین و فقها قرار گرفته است که نظریات شان در ذیل تذکر خواهد گرفت ولی بصورت کل باید گفت که (آیه 43 سوره نساء) در رابطه با غسل است که می فرماید اگر میسر نبود بجای غسل تیمم کنید ، یعنی در این آیه الله تعالی مواردی را که واجب کننده ی غسل هستند ذکر می فرمایند که از جمله ی آنها لمس همسران است که با کلمه « **لامستم** » ذکر فرموده است .

نظریات فقها در این بابت :

پیروان مذهب امام ابو حنیفه می فرمایند که: « لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ » لمس همسر چه با شهوت باشد و چه بغیر از شهوت، و چه با عمد باشد و چه بغیر عمد، وضوء را باطل نمیکند، و یکی از دلایشان اینست که در این آیه هدف از «لمس» نزدیکی و جماع است، و نه مجرد لمس کردن.

پیروان مذهب امام شافعی می فرمایند که : بدین عقیده اند که «لمس» کردن همسر چه با شهوت باشد و یا بغیر شهوت، و چه سهوا باشد و چه عمدا، یعنی هر نوع تماس با زن چه کوچک و چه بزرگ وضوء را باطل میکند، و یکی از دلایشان اینست که معنای «لمس» در این آیه همان ملامست است.

پیروان مذهب مالکی و حنبلی : قولشان ما بین دو قول مذهب امام ابو حنیفه و امام شافعی میباشد و میگویند که اگر لمس زن با شهوت باشد وضوء را باطل میکند، ولی اگر لمس زن با شهوت نباشد وضوء را باطل نمیکند.

شیخ عثیمین در فتاوی المرأه، صفحه 20 در این بابت : مستقیماً به حدیث روایت شده از ام المومنین عایشه رضی الله عنها استناد نموده می فرماید : « أَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَبَّلَ امْرَأَةً مِنْ نِسَائِهِ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الصَّلَاةِ وَلَمْ يَتَوَضَّأْ » ابو داود (178، 179، 180)، و ترمذی (86)، نسائی (104/1) و ابن ماجه (502) و در صحیح ابی داود « (172) ». (پیامبر صلی الله علیه وسلم یکی از همسرانش را بوسید و سپس برای نماز بیرون رفت و وضوء (تازه ای) هم نگرفت).

خلاصه بحث :

اگر دلایل هر یک از ائمه را مطالعه نمایم در خواهیم یافت که : هر کدام از این ائمه دلایل خودشان را قانع کننده میدانند، ولی حقیقت امر اینست : تحقیقاتیکه در این مورد توسط علماء اهل حدیث و غیره، صورت پذیرفته است ، قول راجحتر را قول امام ابو حنیفه میدانند که میگوید لمس زن چه با شهوت باشد و چه بغیر شهوت، و چه با عمد باشد و چه بغیر عمد، وضوء را باطل نمیکند. ابن جریر طبری میگوید که این رأی به صواب اولی است، و استدلال اش حدیث روایت شده بی بی عایشه رضی الله عنها که در فوق ذکر شد . شیخ ابن کثیر نیز این رأی را ترجیح داده و آنرا مورد تائید خویش قرار داده است . بناً در این بابت قول راجحتر اینست که لمس کردن زن چه با شهوت و چه بغیر شهوت وضوء را باطل نمیکند.

حکم وضو برای داکتر در معاینه عورت مریض :

اگر طبیب و یا جراح در حین معاینه عورت مریض آنرا (لمس و یا هم نگاه کند) حکم شرعی برای گرفتن وضو برای طبیب و یا هم جراح چیست ؟ عالم جلیل القدر جهان اسلام شیخ عبد العزیز در این مورد میفرماید : « ممانعتی دیده نمیشود که : طبیب مرد عورت مرد را در وقت نیاز لمس کند و یا برای معاینه نگاه کند، چه عورت جلویی باشد یا عقب، می تواند به دلیل نیاز و ضرورت آنرا نگاه و لمس کند، و یا اگر نیازی در کار بود آنرا لمس هم کند از جمله برای پی بردن به

حالت زخم یا مداوای آن (دستش خونی شود)، و بعد از آن دستش را بشوید، (قابل ذکر است که وضوء با لمس خون یا ادرار باطل نمی شود) ولی اگر شخصی طبیب عورت مریض را لمس نمود وضویش باطل می شود چه عورت جلویی باشد یا عقب، ولی طوریکه یاد آور شدیم: دست زدن به خون و ادرار و یا دیگر نجاست ها موجب باطل شدن وضوء نیستند، فقط باید با آب شسته شود، لکن کسی که فرج را بدون حائل (مثل دستکش) لمس کند یعنی تماس (مستقیم) گوشت (دست) با گوشت (فرج) وضویش باطل می شود، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«مَنْ أَفْضَى بِيَدِهِ إِلَى فَرْجِهِ، لَيْسَ دُونَهُمَا سِتْرًا، فَقَدْ وَجَبَ عَلَيْهِ الْوُضُوءُ». یعنی: «کسی که بدون حائلی به آلت تناسلی خود دست زد، بیگمان وضو بر وی واجب است (وضویش باطل شده)» (این حدیث را احمد و ابن حبان و حاکم) روایت فرموده اند. و همینطور اگر طبیب زنانه فرج زن را به دلیل نیازی لمس کند، وضوی او - اگر قبلا طهارت داشته - باطل می شود مثل وضوی مرد». (تفصیل موضوع را میتوان در مجموع فتاوی و مقالات متنوعه للشیخ ابن باز 20 / 6 مطالعه نمود)

خشک کردن اعضاء بعد از وضوء:

برای مسلمانان که وضوء میگیرد جایز است اعضای وضویش را بعد از وضوء خشک کند، زیرا اصل در این فعل بر اباحه و جواز است.

امام ابن قدامه در «المغنی» (1/195) گفته: «خشک کردن اعضایش بوسیله دستمال بعد از غسل یا وضوء بدون ایراد است، و این از امام احمد نقل شده است، و نقل شده که عثمان (بن عفان) و حسن بن علی (بن ابی طالب) و انس رضی الله عنهم بعد از وضوء از دستمال (برای خشک کردن) استفاده کردند، و این رأی بسیاری از اهل علم است که رأی صحیح تر هم همین است، زیرا اصل بر اباحه است».

و از شیخ ابن عثیمین درباره خشک کردن اعضای وضوء سوال شد، ایشان در جواب فرمود: «خشک کردن اعضاء ممانعتی ندارد، زیرا اصل بر عدم ممنوعیت است، و (کلا) اصل در غیر عبادات؛ مانند عقود و افعال و اعیان بر اباحه است، تا آنکه دلیلی بر ممنوعیت آن ارائه شود».

اگر کسی بگوید: پس به حدیث میمونه رضی الله عنها چه پاسخی می دهید که چنین ذکر کرده: پیامبر صلی الله علیه وسلم غسل کردند، میمونه گفت: پارچه ای برایش آوردم (تا بدنش را خشک کند) ولی پیامبر صلی الله علیه وسلم نپذیرفتند، و آب (مانده بر بدنش) را با دستش (به زمین) می ریخت. حدیث متفق علیه است.

جواب اینست که:

این فعل پیامبر صلی الله علیه وسلم موضوع منحصری بود که چند احتمال دارد: یا به سببی که مربوط به پارچه است بوده؛ یا پاکیزه نبوده، یا ترسیده که پارچه تر شود و آنرا نامناسب دیده، خلاصه احتمالاتی هست، ولی همین که (همسرش) برای ایشان پارچه ای آورده (تا بدنشان را خشک کنند) خود دلیلی است که خشک کردن اعضا از عادت ایشان بوده، وگرنه برای ایشان پارچه نمی آوردند». (تفصیل را میتوان در مجموع فتاوی ابن

عثیمین) (93/11) مطالعه فرماید)

طهارت مریض:

- 1- بر مریض واجب است که بطور صحیح بوسیله آب؛ از حدث اصغر (بی وضوئی) و حدث اکبر (جنابت یا حیض) طهارت کند، یعنی اگر وضوء نداشت (با آب) وضوء گیرد، و اگر غسل بر او واجب شده بود (با آب) غسل کند.
- 2- اگر به قضای حاجت رود، لازمست که قبل از وضوء بوسیله آب استنجاء کند، و یا با سنگ یا چیزی مشابه آن نجاست را بزداید.
و اگر خواست بوسیله سنگ نجاست را پاک کند، لازمست از سه تکه سنگ پاک استفاده کند، و بوسیله سرگین و طعام و استخوان و یا دیگر چیزهایی که حرمت و احترام دارند اقدام به طهارت نکند، و بهتر آنست که از سنگ یا شبیه آن مانند دستمال استفاده کند، و سپس بدنبال آن آب استعمال نماید، زیرا سنگ نجاست را می زداید و آب محل را پاک می گرداند (و اثر را هم از بین می برد)، لذا (سنگ و آب) کاملتر هستند.
البته انسان مخیر است که یا بوسیله آب استنجاء کند و یا از سنگ برای پاک کردن نجاست استفاده نماید، ولی اگر خواست یکی را انتخاب کند؛ آب بهتر است، زیرا آب محل را پاک می کند، و هم عین و هم اثر نجاست را می زداید، و این برای نظافت کاملتر است، ولی اگر خواست از سنگ استفاده نماید، سه سنگ کفایت می کند، ولی اگر بوسیله آن سه سنگ نجاست پاک نشد می تواند از چهار و پنج سنگ استفاده کند تا محل پاک شود، و بهتر آنست که تعداد سنگها طاق باشد.
و جایز نیست که با دست راست اقدام به پاک کردن محل نجاست کند، ولی اگر دست چپ قطع، یا شکسته باشد یا (دست چپ) مرضی و چیزی شبیه آن داشته باشد، می تواند از باب نیاز بوسیله دست راست این کار را انجام دهد و ایرادی ندارد.
- 3- اگر شخص مریض به دلیل ناتوان بودن، و یا ترس از شدت مرضش، و یا احتمال دیر خوب شدن، نتواند از آب برای وضوء استفاده کند، پس بجای آن تیمم کند.
و تیمم بدینصورت است: با دو کف دستش بر مقداری خاک پاک یک ضربه بزند، سپس بوسیله روی انگشتانش صورتش و سپس کف دستش را مسح کند.
(در صورت نبود خاک) جایز است بوسیله هر شیء طاهری که غبار داشته باشد تیمم کرد؛ حتی اگر بر غیر زمین باشد، مثلا بوسیله غبار روی دیوار یا شبیه آن (فرش) تیمم کند، و اگر یک بار تیمم گرفت می تواند با آن چندین نماز بخواند، و ملزم نیست برای هر نمازی تیمم کند، زیرا جایگزین آب (وضوء) است، و لذا همان حکم وضوء را هم دارد.
و آنچه وضوء را باطل می کند، تیمم را نیز باطل می کند، همچنین هرگاه آب یافت شود و شخص توان استفاده از آنرا داشته باشد، باز تیمم باطل خواهد شد.
- 4- اگر مریض شخص خفیف باشد، و از استعمال آب ترسی نداشته باشد که مثلا بخاطر آن (نفسش یا عضوی از بدنش) تلف شود و یا مرض سختی بگیرد، و یا بهبودی وی تاخیر یابد، یا درد و الم او بیشتر شود، مانند سردرد و دندان درد و شبیه اینها، در اینگونه مرضها تیمم برای وی جایز نیست، و همینطور اگر مریضی داشته باشد و

استعمال آب گرم ضرری برایش نداشته باشد، در اینحالت نیز تیمم مجاز نیست؛ زیرا جواز تیمم برای زدودن ضرر است، ولی ضرری درکار نیست، و چون آب هم در دسترس دارد، پس استفاده از آب برای وی واجب است.

5- اگر بر شخص مریض سخت آمد که بپنجهایی وضوء یا تیمم بگیرد، در آنصورت شخص دیگری وی را وضوء و یا تیمم دهد، و اینکار برایش کفایت می کند.

6- کسی که جراحت یا زخم یا شکستگی یا مرضی داشته باشد که استعمال از آب موجب ضرر برایش شود، و جنب باشد، می تواند تیمم کند، و اگر شستن بدن برایش مقدور باشد پس شستن بر او واجب است، و (برای قسمتی از بدن که جرح یا زخم یا شکستگی یا مرضی دارد) یک بار تیمم کند.

7- اگر کسی یکی از اعضای وضویش زخمی باشد، پس (در وحله نخست) با آب (مانند دیگر اعضاء) بشوید، اگر شستن (آن عضو) با آب برایش دشوار سخت آید و یا ضرری به آن رساند، بر طبق ترتیب اعضای وضوء را بشوید و هرگاه به عضو زخمی رسید (بجای شستن) آنرا با آب مسح کند، و اگر مسح کردنش هم سخت آمد یا موجب ضرر به آن شود؛ پس بجای آن عضو یک بار تیمم کند و کفایت می کند.

8- کسی که اعضای بدنش با پانسمان بسته باشد: یعنی بعضی از اعضایش شکسته باشد و آنرا باندپیچی کرده باشد، (بر طبق ترتیب اعضای وضوء را بشوید و هرگاه به عضو زخمی رسید) بر روی فلستر با آب مسح کند، و همین برای آن عضو کفایت است، هرچند که قبل از بسته کردن فلستر وضوء نگرفته باشد.

9- هرگاه شخص مریض قصد خواندن نماز کرد، بر او واجب است برای پاک کردن بدن و لباس و مکان نمازش از نجاست تلاش کند، اگر توانایی آنرا نداشت، بر همان حالش نماز بخواند و ایرادی بر وی نیست. (طوریکه در فوق اشاره نمودیم: شخص مریض نمی تواند به بهانه قادر نبودن بر دفع نجاست و پاک کردن خود، نمازش را ترک کند، خواندن نماز تا زمانی که در قید حیات است و عقل و هوشش بجا مانده، بر او فرض است، و حتی اگر به دلیل پیری و کهولت و مریضی قادر به طهارت نباشد، باز بر او واجب است بر همان حالش نماز بخواند، زیرا الله متعال می فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (سوره تغابن آیه: 16). یعنی: «به اندازه توانایی خود تقوای الهی پیشه کنید»، شخص متذکره برای دفع نجاست معذور است اما برای ترک نماز عذری ندارد.

10- اگر مریض به سلسل بول مبتلا باشد، بر او واجب است که برای هر نماز (فرض)، بعد از فرا رسیدن وقت نماز - ابتدا استنجاء کند و سپس وضوء بگیرد، و اگر بدن و لباسش به ادرار آلوده شده آن مکان را بشوید، و یا آنکه، اگر برایش سخت و دشوار نیست، لباس پاکی را مخصوص نمازش قرار دهد، و باید احتیاط کند تا مبادا قطرات ادرار به جسم یا لباس یا مکان نمازش برخورد کنند، و برای آن می تواند محافظی (مانند دستمال یا تکه پارچه ای) را مقابل سر آلتش (یا شرمگاهش) بگذارد، تا مانع انتشار قطرات ادرار شود، و اگر بعد وضوء یا در اثنای نماز احساس کرد قطره ای خارج گشت، به آن اهمیت ندهد و می تواند به نمازش ادامه دهد، تا وقت نماز فرض بعدی این مراحل را تکرار کند.

(برای مزید معلومات به فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء (405/24). شیخ

عبد العزیز بن عبد الله بن باز ... شیخ عبد العزیز آل الشیخ ... شیخ عبد الله بن غدیان ... شیخ صالح الفوزان ... شیخ بکر أبو زید. مراجعه فرماید).

شک در داشتن وضو:

قبل از همه باید گفت که شک، مانند وسوسه، شرک و... از القائنات شیطانی است که در انسان پیدا میشود بر قلب او تاثیر بی نهایت بدی می گزارد، ناگفته نباید گذاشت که دین اسلام دارای احکام سهل و آسان و منطبق با فطرت انسان است، بناً توصیه میدارم آنرا برای خود با ایجاد وسوسه های شیطانی که دشمن قسم خورده انسان می باشد و با ایجاد شک های بی مورد مشکل نسازید، ایجاد وسواس و شک ابلیسانه شیطان، در جنب اینکه موجب اضرار و اذیت به جسم و روح انسان میگردد، و زندگی را بر ای انسان تلخ می سازد از جانب دیگر خدا ناخواسته نشود که همین شک ها، حتی عبادات شما را هم زیر سوال قرار ندهد و از وزن و درجات آن تقلیل بعمل نیاورد. ما باید همیشه شکر گزار نعمت دین آسان اسلامی خویش باشیم، و همیشه برای اجرای عبادت بر اساس تعلیمات الهی و سنت نبوی عمل نمایم، و برای شیطان و وسوس های شیطانی مجال شک را در خود راه ندهیم.

خواننده محترم!

قاعده کلی در شرعیت اسلام در باب طهارت و وضو همین است: تا زمانیکه نماز گزار صدایی را نشنود و یا بویی را احساس نکرده باشد، به وضو داشتن خویش شک نه نماید، و نباید از ادای نماز منصرف کرد.

در حدیثی از «عَبْدُ اللَّهِ بْنِ يَزِيدِ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ رَوَيْتُ عَنْهُ شَكًّا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ الرَّجُلَ الَّذِي يُحَيَّلُ إِلَيْهِ أَنَّهُ يَجِدُ الشَّيْءَ فِي الصَّلَاةِ، فَقَالَ: «لَا يَنْفَتِلُ أَوْ لَا يَنْصَرِفُ حَتَّى يَسْمَعَ صَوْتًا أَوْ يَجِدَ رِيحًا» (بخاری: 137).

(عبدالله بن یزید انصاری می گوید: از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیدم: اگر شخصی، هنگام خواندن نماز به شک بیفتد که وضویش شکسته است (بادی از شکمش خارج شده است) چه کار باید بکند؟ آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: «تا وقتی که صدایی نشنیده و یا بویی احساس نکرده باشد، نماز خویش را ترک نکند».

بناً بر اساس حکم این حدیث صحیح، هر زمانیکه یک شخص وضو دارد، شک کند در اینکه آیا وضویش باطل شده است یا خیر؟ این شک برای وی زیان ندارد و وضویش باطل نمی شود، فرق نمی کند این شک برایش در داخل نماز پیش آید، و یا هم در خارج از نماز، تا اینکه یقین حاصل کند که وضویش باطل شده است.

همچنان در حدیثی از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «إِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ فِي نَفْسِهِ شَيْئًا فَأَشْكَلَ عَلَيْهِ أَخْرَجَ مِنْهُ شَيْءٌ أَمْ لَا؟ فَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْمَسْجِدِ حَتَّى يَسْمَعَ صَوْتًا أَوْ يَجِدَ رِيحًا»

(هرگاه بادی در شکم کسی پیچید و به شک افتاد، که آیا چیزی از وی خارج شده است یا خیر؟ از نمازش خارج نشود، مگر اینکه صدایی بشنود یا بویی احساس کند). (مسلم و ابوداود و ترمذی آنرا روایت کرده اند.)

البته شنیدن صدا و احساس کردن بوی بخصوصی مراد نیست، بلکه مراد آنست

که یقین حاصل کند بر آنکه چیزی از وی خارج شده است. ابن المبارک گفته است: هرگاه شك کند در شکستن وضو، وضو بر وی واجب نیست، یعنی باطل نمی‌شود مگر اینکه آنچنان یقین حاصل کند که بتوان در روی آن قسم یاد کند. اما اگر در نداشتن وضو یقین داشته باشد، لیکن در طهارت و گرفتن وضو بعد از آن از آن شك کند، باجماع مسلمین لازم است که وضو بگیرد. بصورت کل باید گفت :

اگر شما بر اصل طهارت مطمئن هستید و یقین دارید که وضو گرفته اید ولی شك کردید که آیا باطل شده است یا نه، در اینصورت شما وضو دارید و وضو شما پا برجا است ، زیرا طوری که متذکر شدیم ، شك و گمان نمیتواند یقین و اطمینان را باطل کند، ولی اگر در اصل طهارت شك دارید که آیا وضو را گرفته اید یا نه، در اینصورت شما باید دوباره وضو بگیرید زیرا از شك و تردید نمیشود یقین حاصل کرد. همچنان نباید فراموش کرد که : شیطان همیشه در کمین نشسته که انسان را در تنگناه قرار دهد تا بالاخره او را وادار به ترک عبادت نماید .

بازی دادن شیطان:

بازی دادن شیطان بمعنی احتلام است (خارج شدن منی از آلت هنگام خواب)، در اینصورت بر شخص متذکره غسل واجب می‌شود. اگر انسان آب در دسترس داشت ، باید غسل نماید و اگر آب در دسترس نداشت و یا مریض بود ، تیمم بزند. و بعداً مبادرت به نماز خواندن کند ، و در اولین فرصت که شرایط برای غسل مهیا گردید، غسل نماید.

دلیل آن از کتاب و سنت نبوی در این بابت :

قرآن عظیم الشان میفرماید :

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (سوره المائدة آیه : 6)

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون به (عزم) نماز برخیزید صورت و دستهایتان را تا آرنج بشویید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین (هر دو پا) بشویید و اگر جنب‌اید خود را پاک کنید (= غسل نمایید) و اگر بیمار یا در سفر بودید یا یکی از شما از قضای حاجت آمد یا با زنان نزدیکی کرده‌اید و آبی نیافتید پس با خاک پاک تیمم کنید و از آن به صورت و دستهایتان بکشید خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد لیکن می‌خواهد شما را پاک و نعمتش را بر شما تمام گرداند باشد که سپاس (او) بدارید .

الله تعالی در این آیه ما را امر به دو طهارت صغری و کبری و بوسیله تیمم می‌کند. شیخ الاسلام ابن تیمیه در فتاوی شماره (396/21) خویش می‌فرماید :

طهارت صغری همان وضوء و طهارت کبری همان غسل است.

سنت نبوی :

«عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنِ الْخُرَاعِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنَّا فِي سَفَرٍ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وسلم وَإِنَّا أَسْرَيْنَا،... ثُمَّ نَزَلَ فَدَعَا بِالْوَضُوءِ، فَتَوَضَّأَ وَتَوَدَّى بِالصَّلَاةِ فَصَلَّى بِالنَّاسِ، فَلَمَّا انْفَتَلَ مِنْ صَلَاتِهِ، إِذَا هُوَ بِرَجُلٍ مُعْتَزِلٍ لَمْ يُصَلِّ مَعَ الْقَوْمِ، قَالَ: «مَا مَنَعَكَ يَا فُلَانُ أَنْ تُصَلِّيَ مَعَ الْقَوْمِ؟» قَالَ: أَصَابَتْنِي جَنَابَةٌ وَلَا مَاءَ، قَالَ: «عَلَيْكَ بِالصَّعِيدِ فَإِنَّهُ يَكْفِيكَ».

(بخاری: 344)

(از عمران بن حصین رضی الله عنه روایت شده که گفت: : در سفری همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم بودیم. .. رسول الله صلی الله علیه وسلم آب خواست و وضو گرفت. سپس، اذان گفته شد و ایشان نماز را اقامه کرد. پس از اتمام نماز، مردی را دید که در گوشه ای نشسته و در نماز، شرکت نکرده بود. رسول الله رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسید: «ای فلانی! چرا در نماز جماعت شرکت نکردی؟» گفت: من نیاز به غسل داشتم و آب نبود. رسول الله رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «با خاک تیمم کن همین برایت کافی است».

مبحث سلسل باددر وضو:

قبل از همه باید گفت که :وضو شرط صحت نماز است، یعنی اگر کسی وضو نداشته باشد و یا در حین نماز وضویش بنا بر هر عامل باطل گردد، آن نمازش صحیح نیست و باید از نو وضو بگیرد و از نو نماز بخواند.

اگر شخصی مریضی سلسل باد باشد ، و خروج باید بشکل مستمر باشد ، این شخص میتواند از رخصت شرعی (حکم سلس بول) استفاده کند، اما اگر خروج باد مستمر نباشد؛ یعنی اگر خروج باد برای مدت زمانی قطع شود بگونه ای که در آن فاصله فرصت گرفتن یک وضوی کامل و خواندن نماز وجود داشته باشد، در آن صورت نمی تواند از رخصت استفاده کند و بایستی در آن فاصله زمانی نماز بخوانید؛ مثلاً شما برای گرفتن وضو و خواندن نماز ظهر نیاز به ده دقیقه زمان دارید، حال اگر در فاصله بین اذان ظهر و عصر یک زمان ده یا پانزده دقیقه ای باشد که در آن زمان، مشکل خروج باد نداشته باشید، پس در آن فاصله باید وضو گرفته و نمازتان را با وضوی درست بخوانید.

اما اگر چنین زمانی را مابین دو نماز نمی یابید، پس شما مشمول حکم کسانی می شوید که دچار سلس بول یا بواسیر هستند. اما برای دانستن این مسئله نیازی نیست تا بین دو نماز دائماً وضو بگیرد تا بدانید آیا چنین فرصتی می یابید یا خیر؟! بلکه انسان بر اساس تجربه خود می داند که معمولاً هر چند دقیقه از او باد خارج می گردد؟! اگر با استناد به تجربه خود دریافتید که مشکل خروج باد شما در فواصل زمانی کوتاه رخ می دهند، طوری که این فواصل آنقدر نیستند که بتوانید یک وضو بگیرید و نمازتان را بخوانید؛ در آن صورت شما می توانید از رخصت استفاده کنید و آن تجربه را بر تمام نمازها و روزها تطبیق دهید، مگر آنکه پس از مدتی مشکل شما بهتر شود و در فواصل زمانی بیشتری وضو را نگه دارید.

و رخصت بدینگونه است که: بعد از دخول وقت هر نماز وضوء بگیرید، و پس از آن اگر بادی خارج شود اشکالی ندارد حتی اگر در حین نماز باشد، و میتوانید با همان وضوء نمازهای خویش را بخوانید، ولی نباید فراموش کرد که برای نماز فرض بعدی باید دوباره پس از دخول وقت وضوء بگیرید.

و طوری که یاد اور شدیم : مشکل سلسل باد در حکم می باشد : (الشرح الممتع 1 / 437).

شیخ الاسلام ابن تیمیہ می فرماید :

«هرکس که حفظ طهارت برایش به اندازه مدت زمان نمازی ممکن نباشد؛ در آنصورت او (می تواند) وضوء گرفته و نماز بخواند و اگر چیزی از او خارج گشت نمازش باطل نمی شود، و به اتفاق ائمه وضویش بخاطر آن باطل نمی شود ولی برای هر نماز (فرضی) باید وضو بگیرد». «مجموع الفتاوی» 21 / 221.

فتوای شیخ ابن عثیمین رحمه الله در مورد سلسل بول :

«کسی که دچار سلس بول است دو حالت دارد:

اول: خروج ادرار وی مستمر است بگونه ای که متوقف نمی شود، یعنی هر وقت چیزی در مثانه اش جمع شود خارج می گردد؛ در اینحالت او (می تواند) هرگاه وقت نماز شد وضو بگیرد و بوسیله چیزی (مانند دستمال) آلت خود را بیوشاند، و بعد نماز بخواند و اگر در اثنای نماز چیزی خارج گشت نمازش باطل نیست.

دوم: اگر بعد از قضای حاجت (ادرار کردن)، خروج آن متوقف شود هرچند که برای ده یا پانزده دقیقه باشد؛ در اینحالت منتظر می ماند تا (خروج قطرات ادرار) متوقف می شود و سپس وضو می گیرد و نماز می خواند، هرچند که (به دلیل این انتظار) نماز جماعت را از دست بدهد». «أسئلة الباب المفتوح» (س 17، لقاء 67).

فتوای علمای هیئت دائمی افتاء :

دارالافتاء کشور عربستان سعودی طی فتوای می نویسد : «هرگاه بدانند که (خروج) قطرات تمام می شوند در آنصورت برای او جایز نیست نماز بخواند هرچند که خواهان فضیلت نماز جماعت باشد، بلکه باید منتظر بماند تا (خروج قطرات) تمام می شوند و بعد از آن استنجاء کند و وضوء بگیرد و نمازش را بخواند هرچند که نماز جماعت را از دست بدهد. و بر او لازم است که استنجاء و وضو را قبل از وقت نماز (جماعت) قرار دهد، تا شاید بتواند نماز جماعت بخواند». اللجنة الدائمة للبحوث 5 / 411.

بنابراین از آنجائیکه کسی که مشکل خروج باد (سلسل باد) دارد در حکم کسی است که دچار سلسل بول است، او نیز باید موارد فوق را مراعات نماید؛ یعنی اگر او یک فاصله زمانی را بین دو اذان می یابد که در آن فاصله زمانی مشکل خروج باد را ندارد و فرصت گرفتن یک وضوی کامل و ادای نماز را پیدا می کند بدون آنکه مشکل خروج باد را داشته باشد، پس نمی تواند از رخصت شرعی استفاده کند و باید در آن فاصله مذکور وضو گرفته و نمازش را بخواند، و این امر معمولاً با تجربه شخصی قابل فهمیدن است که آیا مشکل او مستمر است و یا آنکه معمولاً در فواصل زمانی منقطع (قابل قبولی) وضویش باطل می شود. بنابراین لازم نیست تا در فاصله بین هر دو نماز دائماً در حال وضوء گرفتن باشد.

یادداشت :

همچنان برخی از علماء بدین عقیده اند که : اگر برای شخص مشقت و سختی در وضوء متداوم وجود داشته باشد ، در آنصورت می توانند تا زمانی که مشکل صیحی شان برطرف شود نمازهای خود را جمع کنید؛ مثلاً نماز ظهر و عصر را در وقت یکی از

آنها بخوانید و همینطور نماز مغرب و عشاء، چرا که پیامبر صلی الله علیه وسلم به زن مستحاضه رخصت داده که بین دو نماز را جمع کند. (علامه البانی این را حدیث که (ابی داود در صحیح خویش (284) آورده آنرا از جمله احادیثی صحیح دانسته است.

ترتیب وضو قبل از نزول آیه 6 سوره مائده:

قبل از همه باید گفت که (آیه 6 سوره مائده) که درباره چگونگی وضو گرفتن است، در مدینه منوره آنهم بعد از غزوه بنی مصطلق نازل شده. غزه بنی مصطلق عبارت از غزوه است که در سال ششم هجری مردم قوم «خزاعه» به رهبری «حارث بن ابی ضرار» رهبر قوم که در هشت کیلومتری مدینه مسکن گزین بودند، پلان جنگ با رسول الله صلی الله علیه وسلم و مسلمانان و در نهایت به مدینه را طرح ریزی نموده بودند.

مفسرین در سبب نزول این آیه به دلیل آنرا نیافتن آب برای وضو تذکر داده اند. بعبارتی هدف از نزول این آیه این نبود تا کیفیت وضو گرفتن - برای اولین بار - برای مسلمانان شرح داده شود، بلکه هدف اصلی از نزول این آیه، جواز تیمم گرفتن برای مسلمانان در هنگام نبود آب بود که در ادامه شرح نحوه وضو گرفتن در همین آیه در مورد آن (یعنی تیمم) ذکر شده است، و قبل از نازل شدن این آیه، نحوه وضو گرفتن مسلمانان شبیه به همان کیفیتی بود که در آیه مذکور ذکر شده و لذا وضویشان با بعد از نزول آیه تفاوتی نکرد، چرا که مصادف با تشریح نماز و خواندن نماز، جبرئیل امین علیه السلام نحوه وضو گرفتن را به پیامبر صلی الله علیه وسلم یاد داده بود و پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز آنرا به مسلمانان آموخته بود ولی هنوز آیه ای از قرآن در این مورد نازل نشده بود تا آنکه روزی به سبب آنکه پیامبر صلی الله علیه وسلم آبی برای وضو گرفتن نیافت، خدای متعال آیه 6 سوره مائده را نازل نمود که در این آیه ضمن توضیح و تشریح چگونگی وضو گرفتن، متذکر شده که در صورت نیافتن آب، می توان با خاک تیمم کرد، چنانکه می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ » (مائده 6).

یعنی: «ای مؤمنان، چون به [قصد] نماز برخیزید، روی خویش را با دستان خود تا آرنجها بشویید و سرتان را مسح کنید و پاهایتان را تا هر دو بجلک [بشوید] و اگر جنب باشید، غسل کنید. و اگر مریض یا مسافر باشید و یا کسی از شما از موضع قضای حاجت بیاید و یا با زنان آمیزش کرده باشید، و آبی نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید، و از آن [خاک] روی و دستانتان را مسح کنید. خداوند نمی‌خواهد بر شما دشواری قرار دهد. بلکه می‌خواهد که شما را پاک بدارد و نعمتش را بر شما تمام کند، باشد که سپاس گزارید.»

بخاری از طریق عمرو بن حارث از عبدالرحمن بن قاسم بن [محمد بن ابوبکر صدیق] از پدرش از عایشه رضی الله عنها روایت کرده است که او گفت: «سَقَطَتْ قِلَادَةٌ لِي بِالْبَيْدَاءِ وَنَحْنُ دَاخِلُونَ الْمَدِينَةَ، فَأَنَاخَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَنَزَلَ فَتَنَى رَأْسَهُ فِي حَجْرِي رَاقِدًا،

أَقْبَلَ أَبُو بَكْرٍ فَلَكَرَنِي لَكُرَّةٍ شَدِيدَةً، وَقَالَ: حَبَسْتُ النَّاسَ فِي قِلَادَةِ فَبِي الْمَوْتُ، لِمَكَانِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَدْ أُوجِعَنِي، ثُمَّ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسْتَيْقَظَ وَحَضَرَتِ الصُّبْحُ، فَالْتَمَسَ الْمَاءَ فَلَمْ يُوَجِدْ " فَتَزَلَّتْ: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ » [المائدة: 6] الْآيَةَ "، فَقَالَ أُسَيْدُ بْنُ حُضَيْرٍ: لَقَدْ بَارَكَ اللَّهُ لِلنَّاسِ فِيكُمْ يَا آلَ أَبِي بَكْرٍ، مَا أَنْتُمْ إِلَّا بِرَكَّةٍ لَهُمْ». بخاری (4608).

یعنی: «در بازگشت از سفر، نزدیک مدینه رسیده بودیم که گردن بند من در بیابان گم شد. رسول الله صلی الله علیه وسلم شتر خود را خواباند و فرود آمد [و دستور اقامت در آنجا را داد] و سرش را در آغوشم گذاشت و خوابید. ابوبکر رضی الله عنه آمد و مشتی محکم بر سینه من زد و گفت: این همه مردم را به خاطر یک گردن بند از ورود به مدینه بازداشتی، بامداد رسول الله از خواب بیدار شد و هرچه جستجو کرد، آب برای وضو پیدا نشد. پس آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ ..» نازل شد پس اُسَید بن حُضَیر گفت: ای خاندان ابوبکر، خدا به سبب شما به مردم خیر عطا کرد.

از این حدیث در می یابیم که علت و سبب اصلی نزول آیه 6 مائده، آموزش وضو گرفتن نبود، بلکه جواز تیمم با خاک در صورت نیافتن آب بود.

و طبرانی در معجم شبیه این حدیث را روایت کرده که در آن آورده: « هنگامی که واقعه گردن بند من پیش آمد و اهل افک حرف هایشان را زدند با پیامبر در جنگی دیگر شرکت کردم باز هم گردن بند من افتاد و مردم به خاطر جستجوی آن از رفتن بازماندند».

و از این روایت طبرانی چنین برداشت می شود که نزول آیه 6 مائده بعد از غزوه بنی مطلق (سال شش هجری) بوده است، درحالیکه فرضیت نماز در شهر مکه بوده است.

علامه سیوطی رحمه الله در کتاب «لباب النقول فی أسباب النزول» می فرماید: « حدیثی که بخاری از عایشه رضی الله عنها روایت کرده، دلیل بر این است که قبل از نزول آیه تیمم، وضوء واجب بوده است، از این رو مسلمانان فرود آمدن در جایی را که آب وجود نداشت خیلی مهم دانستند و آن پیش آمد از سوی ابوبکر صدیق در حق عایشه رضی الله عنها روی داد. ابن عبدالبر می گوید: برای اهل مغازی روشن است که پیامبر صلی الله علیه وسلم از همان ابتدا که نماز واجب شد نماز را همیشه با وضو خوانده است و این موضوع را به غیر از اشخاص ناآگاه و ستیزه گر هیچکس رد نمی کند. و آن بزرگوار می گوید: حکمتی که برای نزول آیه وضوء وجود دارد با وصف این که قبلاً به آن عمل می شد این است که فرضیت وضوء باید با وحی متلو ثابت گردد.

شخص دیگری گفته است: احتمال دارد که اول آیه به سبب واجب شدن وضوء قبلاً نازل شده و بقیه آیه که ذکر تیمم در آن است بعد در اینجا نازل گردیده باشد.

تذکر اول قابل قبول تر است، زیرا فرضت وضوء یک جا با فرضیت نماز در مکه بوده و این آیه مدنی است».

اما دلیل واضح و روشنی که بیان می کند پیامبر صلی الله علیه وسلم قبل از نزول آیه 6 مائده وضو می گرفتند، حدیثی از زید بن حارثه رضی الله عنه است درباره پیامبر صلی الله علیه وسلم است که گفت: « أَنْ جَبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ آتَاهُ فِي أَوَّلِ مَا أُوحِيَ إِلَيْهِ فَعَلَّمَهُ الْوُضُوءَ وَالصَّلَاةَ » یعنی: «همانا جبرئیل علیه السلام در همان اوایل وحی بر پیامبر

صلی الله علیه وسلم نزد او آمده و نحوه وضوء و نماز را به وی آموزش داد». روایت
إمام أحمد (17026) ، و علامه البانی در (السلسلة الصحيحة)(841) .
پس مسلمانان قبل از نزول آیه 6 مائده هم به همان شکلی که در آیه آمده وضو می
گرفتند، یعنی با تشریح نماز – که در اوایل اسلام در مکه تشریح شد – جبرئیل علیه
السلام نحوه وضو گرفتن را به پیامبر صلی الله علیه وسلم تعلیم و آموزش داده بودند، اما
با این وجود آیه ای درباره کیفیت وضوء نازل نشد تا آنکه برای بیان این حکم که در
صورت نبود آب می توان تیمم کرد آیه وضو و تیمم با هم نازل شد. **پایان**